

با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت استاد بهمن صالح‌نیا، پیشکسوت بزرگ، مربی نامدار و شناسنامه فوتبال گیلان، ما را در اندوهی عمیق فرو برد.

زنده‌یاد صالح‌نیا، نه فقط معلم اخلاق و نسل‌ساز فوتبال این سرزمین، بلکه نماد پایداری، فروتنی و عشق به ورزش در روزگاری بود که فوتبال با دل‌سپردگی معنا می‌یافت. کارنامه پربار او در خدمت به فوتبال گیلان و ایران، میراثی گرانبها برای نسل‌های آینده خواهد بود. این ضایعه جبران‌ناپذیر را به جامعه ورزش کشور، خانواده محترم ایشان، شاگردان، دوستان و مردم شریف گیلان تسلیت عرض می‌نماییم و از درگاه خداوند برای آن فقید سعید، رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

یادش جاودان، راهش ماندگار - جعفر ملکی - علی جباری - بهزاد عسگری



با نهایت تأسف و تألم، درگذشت مرحوم حاج حسین ایوبی، پیشکسوت فرهیخته عرصه رسانه، عکاس متعهد، جانباز سرافراز دوران پرافتخار دفاع مقدس و از چهره‌های خدوم، اخلاق‌مدار و مؤثر در جامعه رسانه‌ای استان البرز را به خانواده محترم ایشان، اهالی رسانه، همکاران، دوستان و عموم مردم شریف استان تسلیت عرض می‌نماییم. بی‌تردید، فقدان این چهره شریف و دلسوز که سال‌ها با صداقت، تعهد، و نگاه انسانی به تصویرگری واقعیت‌ها پرداخت، ضایعه‌ای سنگین برای خانواده رسانه‌ای کشور و خاصه استان البرز است. از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

مجموعه دنیای هوادار - سازمان بسیج رسانه استان البرز

وقتی عطارباشی با نقاب رسانه، سلامت را بازیچه می‌کند؟

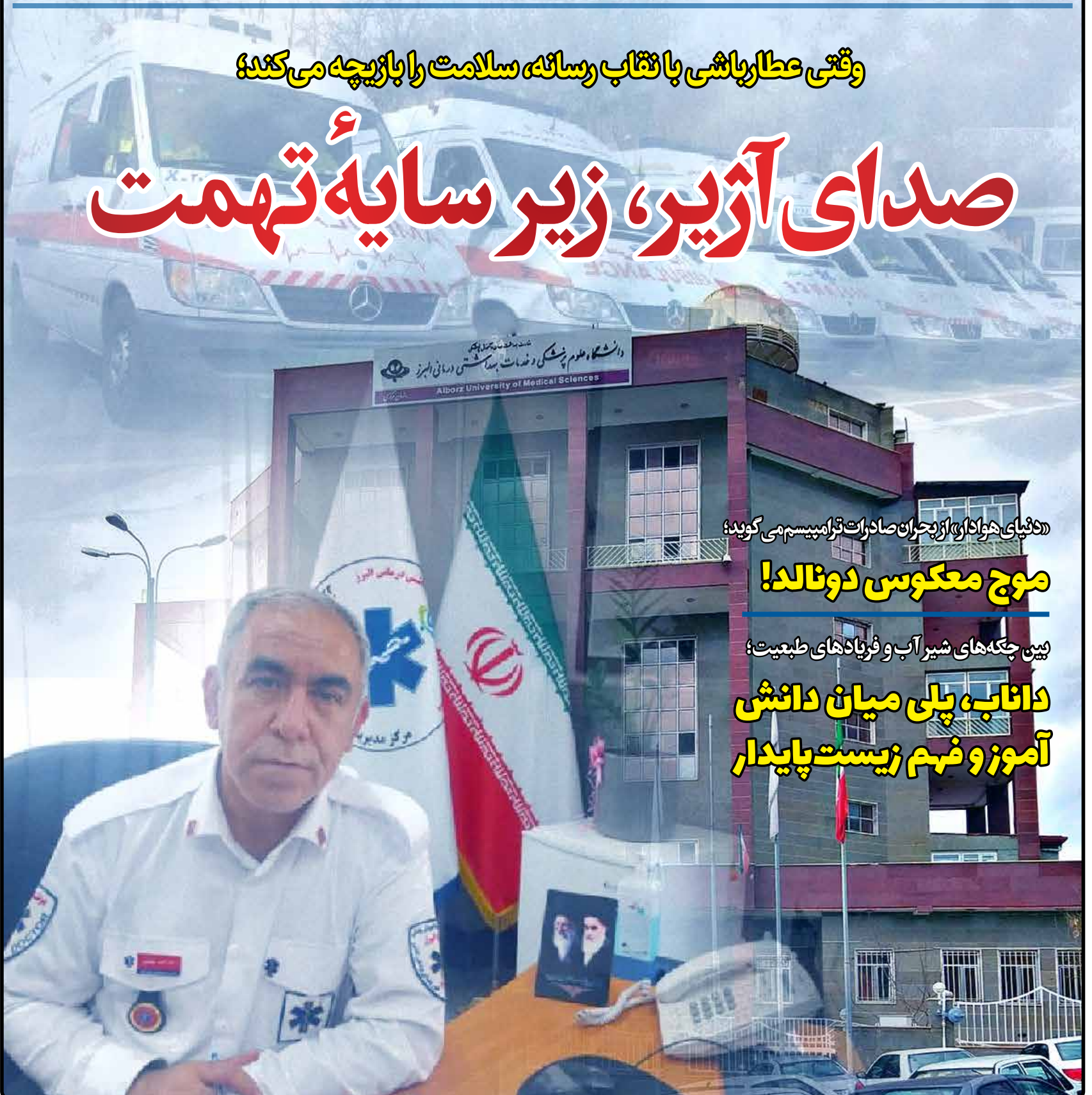
صدای آذیر، زیر سایه تهمت

«دنیای هوادار» از بحران صادرات ترامپسزم می‌گوید؛

موج معکوس دونالد!

بین چکه‌های شیر آب و فربادهای طبیعت؛

**داناب، پلی میان دانش
آموز و فهم زیست‌پایدار**



یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید محمدرضا رضوی خالقی» که ۱۳ اردیبهشت ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



آلمان: نوار غزه متعلق به فلسطینی ها است

سخنگوی وزارت خارجه آلمان روز گذشته اعلام کرد که غزه متعلق به فلسطینی ها است. وی تصریح کرد که گزارش هایی مبنی بر وجود طرح هایی جهت اشغال نوار غزه، نگران کننده است. همزمان با تحرکات دیپلماتیک در منطقه و سفر احتمالی رئیس جمهور آمریکا، منابع امنیتی عبری از آغاز قریب الوقوع عملیات گسترده نظامی رژیم صهیونیستی در غزه خبر می دهند؛ عملیاتی که با هدف «شکست کامل حماس» و آزادسازی زندانیان صهیونیست طراحی شده و تخلیه غیرنظامیان فلسطینی بخش کلیدی آن است.

دنیای هوادار

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۶

رویداد

حرف اول

«دنیای هوادار» از بحران صادرات ترامپ می گوید؛

موج معکوس دونالد!

ایمان روزبهرانی

مستقر، پیش از انتخابات اخیرشان، شاهد اوج گیری محافظه کارانی بودند که بی پروا از تاکتیک های ترامپی بهره می بردند: وعده های پرطمطراق، ناسیونالیسم اقتصادی، نگاه امنیت محور به مهاجرت، و حمله به نهادهای دموکراتیک. اما نتیجه؟ نه تنها شکست، که سقوط از کرسی های پارلمان و از دست رفتن اعتبار عمومی. این شکست ها را نمی توان صرفاً به حساب مشکلات داخلی احزاب راست گرا گذاشت. به قول چارلز ادل، تحلیلگر اندیشکده CSIS، بازگشت ترامپ به قدرت «دخالتمی» در انتخابات این کشورها بود. مردم کانادا و استرالیا، با نگاهی به سرنوشت سیاسی و اجتماعی ایالات متحده، ترجیح دادند نسخه داخلی ترامپ را پیش از آن که خطرناک شود، حذف کنند.

الگوی تکرار شونده: واهمه از آینده آمریکایی

ترامپ، با تمام شعارهای «عظمت دوباره»، بیش از آنکه الهام بخش باشد، به الگوی هراس آور برای سایر دموکراسی ها تبدیل شده است. در سنگاپور، دولتی که به ثبات اقتصادی اش مشهور است، هشدارهای مستقیم نسبت به تبعات جنگ های تجاری ترامپ، عملاً به یک تاکتیک انتخاباتی بدل شد. نخست وزیر وقت، با تأکید بر این که نظم جهانی مبتنی بر تجارت و روابط چندجانبه - که دهه ها سنگاپور را به قدرتی اقتصادی بدل کرده بود - در معرض فروپاشی است، رأی دهندگان را به واکنش واداشت. نتیجه؟ تداوم حمایت از نخست وزیری که دست کم وعده ثبات می داد. همان طور که در شبکه های اجتماعی دیده شد، حتی شعارهایی نظیر «آلبو بالا» (در اشاره به آلباز استرالیایی) و «آرنج بالا» (شعار ضدترامپی کانادایی) فراتر از یک شوخی مجازی بود. این ها کدهای زبانی مشترکی بودند میان شهروندانی که تصمیم گرفته اند با رای خود از آن چه ترامپیسم می نامند، فاصله بگیرند. تمایل ناخودآگاه برای رهایی از الگویی که خشونت را نرم می کند، مهاجرت را تهدید می بیند، و دولت را ابزار خود می داند.

بحران صادرات ترامپیسم

درست است که ترامپ همچنان در آمریکا یک چهره تأثیرگذار و پرقدرت است و حتی توانسته برای دومین بار به کاخ سفید بازگردد، اما آنچه در سایر کشورها رخ می دهد، بیشتر از آن که الگوبرداری باشد، شکلی از واکنش و مقاومت است. جامعه جهانی در حال تماشای

در دنیایی که پر است از شعارهای پرطمطراق و چهره هایی که از نمایش های تلویزیونی تا عرصه قدرت جهانی بالا آمده اند، نام «دونالد ترامپ» دیگر صرفاً یک شخصیت سیاسی نیست؛ او به نماد یک سبک حکمرانی بدل شده که برای عده ای نویدبخش قدرت، اما برای بسیاری دیگر، هشدار دهنده فروپاشی نظم، اخلاق و همبستگی در جوامع است. اکنون در چهارمین ماه از دور دوم ریاست جمهوری اش، نشانه هایی از موجی جهانی در حال شکل گیری است؛ موجی که در سکوت، اما با قاطعیت، علیه آنچه می توان «ترامپیسم» نامید، قد علم کرده است.

از شکست محافظه کاران راست گرا در انتخابات استرالیا و کانادا تا بازگشت نخست وزیر میانه روی سنگاپور با پیامی آشکار درباره ترس از جنگ های تجاری، یک خط سیر قابل ردیابی است: شهروندان کشورهایی که پیوند نزدیکی با سیاست جهانی دارند، به جای الهام گرفتن از راه و روش ترامپ، در حال رای دادن به مخالفان مستقیم سبک او هستند. جهانی که روزی از مدل آمریکایی دموکراسی و قدرت نرم واشنگتن الگوبرداری می کرد، امروز با دقت به تجربه پرهزینه و پرآشوب ترامپ نگاه می کند و تصمیم می گیرد راه دیگری برود. نه از سر نفرت، که از سر احتیاط. و نه با شعار، که با رای. صندوق های رأی در کانبرا، اتاوا و حتی سنگاپور، از چیزی سخن می گویند که شاید هنوز در کاخ سفید شنیده نمی شود: دموکراسی هنوز نفس می کشد؛ اما این بار نه به تقلید از آمریکا، بلکه برای نجات از الگوی آمریکایی ترامپی.

در جهانی که رسانه ها پر از تصویرها و شعارهای دونالد ترامپ اند، گاهی فراموش می کنیم که هر حرکت قدرت طلبانه، الزاماً به اقتدا منجر نمی شود. بازگشت ترامپ به قدرت شاید درون مرزهای آمریکا برای گروهی از هوادارانش یک پیروزی باشد، اما بیرون از آن، گویا واکنش متضادی در حال شکل گیری است؛ واکنشی که نه در قالب تظاهرات، که در صندوق های رأی کشورهایی مثل کانادا، استرالیا و حتی سنگاپور رخ می دهد. اینجا جایی است که موج جهانی علیه ترامپیسم، بی سروصدا اما قدرتمند، در حال اوج گیری است.

دوقلوهای دموکراسی در برابر شباهت های پوپولیستی کانادا و استرالیا، دو کشور با نظام های پارلمانی

سرمقاله

محمدشهر، الگویی برای سراسر کشور؛

درستایش عدالت درمانی

مهدی صالحی

در روزگاری که سلامت به کالایی لوکس بدل شده، خبر استقرار «کاروان جامعه پزشکی» در محمدرضا کرج همچون نسیمی خنک بر دل های تشنه امید نشست. تیمی از پزشکان و پرستاران داوطلب که بی چشم داشت مالی، صرفاً به نام انسانیت و در چارچوب کرامت انسانی، به دل محله ای از حاشیه کرج رفتند تا بذر درمان و مهر بیاهند. این اقدام مدیریت درمان تأمین اجتماعی البرز، اگرچه در نگاه اول حرکتی محدود و مناسبتی به نظر می رسد، اما در عمق خود حامل یک پیام روشن و ضروری است: درمان، نباید امتیاز باشد؛ باید حق باشد. جامعه ای که در آن فقر، فاصله میان انسان و پزشک باشد، هرگز به عدالت اجتماعی دست نخواهد یافت.

در محمدرضا، شهروندانی که شاید ماه ها و سال ها از ترس هزینه های دارو و درمان، درد را به جان خریده بودند، این بار نه با قبض داروخانه که با لبخند یک پزشک مواجه شدند. اندازه گیری قند و فشار خون، تجویز دارو، مشاوره و پیگیری های تخصصی بعدی، همگی بی نیاز از چانه زدن بر سر بیمه و پرداخت نقدی انجام گرفت. این نه یک لطف، که اجرای دیرهنگام یک حق بود. در شرایطی که سیستم بهداشت عمومی در بسیاری از نقاط کشور با کمبود پزشک، دارو و بودجه روبه روست، برپایی چنین کاروان هایی، ولو مقطعی، می تواند شکاف های درمانی را ترمیم کند. اما این کافی نیست. نباید بگذاریم حضور پزشک در مناطق محروم، تنها به مناسبت های تقویمی و حرکت های جهادی محدود شود. محمدرضا باید آغاز یک طرح ملی باشد: نظام مند، پیوسته، و گسترده.

ضرورت گسترش این مدل در سراسر کشور زمانی بیشتر حس می شود که به آمار نگران کننده نابرابری درمانی در مناطق کم برخوردار نگاهی بیندازیم. در برخی نقاط کشور، فاصله تا نزدیک ترین مرکز درمانی بیش از یک ساعت است، و بسیاری از خانواده ها حتی توان پرداخت هزینه رفت و آمد را ندارند، چه رسد به معاینه و دارو. در چنین شرایطی، کاروان های درمانی نه تنها یک گزینه، بلکه راه حلی حیاتی برای پوشش این خلاهاست.

سازمان های بیمه گر، نهادهای نظامی و مدنی، دانشگاه های علوم پزشکی، خیریه ها و گروه های داوطلب باید به شکل یک شبکه منسجم عمل کنند. هر کاروان می تواند پیام آور امید و دسترسی برابر به سلامت باشد، اگر این اقدامات به جای موقت بودن، در قالب یک برنامه کشوری نهادینه شوند. در دنیایی که فاصله طبقاتی حتی در نسخه نویسی پزشک هم دیده می شود، هر شهر باید محمدرضای دیگر باشد. هر پزشک باید بداند که مسئولیتش فقط در مطب های شمال شهر خلاصه نمی شود. و هر نهاد درمانی باید این الگو را از «حرکت خاص» به «قاعده عمومی» بدل کند.

درمان رایگان برای نیازمندان، نه فقط یک سیاست سلامت محور، که یک ضرورت اخلاقی و انسانی در زمانه بحران است.

«حزب الله»: حمله به بندر الحیدیه جنایت جنگی است

جنبش حزب الله لبنان در پایان این بیانیه تأکید کرد که این تجاوز نیازمند اقدام فوری و فعال از سوی جهان اسلام و عرب و مخالفت آشکار با قلدری آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

گفتنی است، در ادامه تجاوزهای خارجی به خاک یمن، منابع محلی دوشنبه شب از حمله نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به بندر مهم الحیدیه در غرب این کشور خبر دادند.

منابع خبری گزارش دادند که حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به کارخانه سیمان الحیدیه یمن ۲۱ زخمی برجای گذاشته است.

مجروران بسیاری تقدیم کرده اند و رهبران شجاع و مقتدر آن ها دست از یاری شرافتمندانه غزه و ساکنان آن برنداشته اند، با این تجاوز، عزم و اراده آن ها برای پشتیبانی و یاری ملت فلسطین و تحمیل معادلات جدید و تشدید محاصره دریایی و هوایی رژیم صهیونیستی دوچندان خواهد شد.

در ادامه این بیانیه آمده است: حزب الله همبستگی کامل خود با ملت سریلند یمن را اعلام و به رهبر حکیم و شجاع آن درود می فرستد و خواستار محکومیت شدید این تجاوز از سوی همه کشورهای آزاده و وجدان های بیدار جهان است.

حزب الله لبنان در بیانیه ای بمباران زیر ساخت های غیرنظامی در بندر الحیدیه یمن را جنایت جنگی خواند. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از شبکه المیادین، حزب الله لبنان در این بیانیه حملات مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به یمن را به شدت محکوم و تصریح کرد: بمباران زیرساخت های غیرنظامی در بندر الحیدیه یک جنایت جنگی تمام عیار و برخلاف همه قوانین و اصول بین المللی است.

حزب الله لبنان افزود: ملت یمن که همه ناوگان دریایی، هواپیماها و موشک های ویرانگر آمریکایی نتوانسته است اراده آن ها را درهم بشکند و شهدا و



شوراها خط مقدم ارتباط با مردم هستند

به مناسبت گرامی‌داشت روز شوراها، آیینی با حضور اعضای شوراهای اسلامی شهرستان کرج، شهرداران، بخشداران و جمعی از مسئولان محلی و نماینده مجلس به میزبانی علی قاسم‌پور، رئیس شورای اسلامی شهرستان کرج برگزار شد. در این مراسم که با حضور علی شیرین‌زاد، نماینده مردم کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی، صفری معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار البرز و مهرور فرماندار شهرستان کرج همراه بود، بر نقش کلیدی شوراهای در تقویت مشارکت مردمی و پیشبرد اهداف توسعه محلی تأکید شد.

شهردار کرج وعده‌داد:

از «البرز» چه خبر؟

گره‌های ترافیکی کرج یک به یک باز می‌شود



میلیارد تومان اجرا شده و در نهایت به بزرگراه شهید سلیمانی متصل می‌شود. شهردار کرج ادامه داد: مدیریت شهری در دیگر پروژه‌های شهری نیز به دنبال باز کردن گره‌های ترافیکی‌ست؛ بخصوص پروژه میدان خوارزمی را با تدبیر شورای اسلامی شهر کرج حل خواهیم کرد. این مسئول اضافه کرد: همچنین اتصال کنارگذر مهرشهر به فرودگاه پیام در دستور کار است. که با همکاری دولت نهایت به بزرگراه غدیر متصل شود. شهردار کرج در ادامه گفت: دیگر پروژه‌های عمرانی مدیریت شهری کرج، اجرای نهضت آسفالت و جمع‌آوری آب‌های سطحی بوده که به خوبی در این زمینه تدبیر شد به طوری که دیگر شاهد آبگرفتگی در سطح کرج نباشیم. کیانی با تأکید بر همراهی شورای اسلامی شهر کرج به تحقق صد درصدی بودجه در سه سال پیاپی اشاره کرد و ادامه داد: این اتفاق در کنار افزایش تعداد پروژه‌های شهری در سطح کلانشهرهای ایران بی‌نظیر است.

این مسئول اضافه کرد: لازم می‌دانم از شهروندان عزیزی که در روند اجرای پروژه‌ها با مشکلاتی روبرو

شهردار کرج در آئین بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی تقاطع غیرهم‌سطح جمهوری - مودن و ادامه بلوار ارس، گره‌گشایی ترافیکی شهر را به شهروندان مژده داد و گفت: با افتتاح پروژه‌های متعدد عمرانی شاهد باز شدن گره‌های ترافیکی هستیم.

آیین بهره‌برداری از تقاطع غیرهم‌سطح جمهوری - مودن و ادامه بلوار ارس پیش از ظهر امروز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه با حضور اعضای شورای اسلامی شهر، شهردار کرج، تعدادی از معاونین و مدیران مدیریت شهری و اصحاب رسانه در محل پروژه برگزار شد.

مهرداد کیانی در این مراسم با بیان اینکه طرح‌های عمرانی در حوزه ترافیک شهری یکی پس از دیگری افتتاح خواهد شد، افزود: امروز شاهد افتتاح یکی دیگر از پروژه‌های عمرانی شهر کرج هستیم. در واقع این پروژه حاصل دسترنج تمامی همکاران ما در مدیریت شهری‌ست که آن را تقدیم حضور مردم و شهروندان می‌کنیم.

وی، با بیان اینکه همزمانی افتتاح این پروژه مهم در دهه کرامت را به فال نیک می‌گیریم، تأکید کرد: طول تقاطع حدود سه کیلومتر است که با ۶۰۰

شوراها و شهرداران نمونه شهرستان کرج معرفی شدند

دیگر شوراهای در مسیر خدمت‌رسانی به مردم باشد. رئیس شورای اسلامی شهرستان کرج، با اشاره به اهمیت جایگاه شورای شهرستان بیان کرد: شورای اسلامی شهرستان کرج، پل ارتباطی مؤثر میان شوراهای شهرها و روستاها با فرمانداری است و نقش مهمی در انسجام بخشی به تصمیم‌گیری‌های محلی ایفا می‌کند.

وی تأکید کرد: این شورا، با حضور نمایندگان منتخب مناطق مختلف، به دنبال هم‌افزایی و هماهنگی در توسعه متوازن شهرستان است. همچنین، ما تلاش کرده‌ایم با پیگیری مطالبات مردمی در حوزه‌های عمرانی، خدماتی و اجتماعی، فضای هم‌اندیشی و تعامل را در سطح شهرستان گسترش دهیم.

به گفته قاسم‌پور، شورای شهرستان نقش کلیدی در هدایت پروژه‌های مشترک و تسهیل ارتباط میان شهرداری‌ها، بخشدارها و نهادهای بالادستی دارد.

شهرستان کرج، با تأکید بر نقش کلیدی شوراهای توسعه محلی و تقویت مشارکت مردمی، اظهار کرد: بر اساس رأی‌گیری انجام‌شده، شوراهای اسلامی نمونه شهرستان در سال جاری معرفی شدند. وی بیان کرد: شورای اسلامی شهر کرج به عنوان شورای نمونه در حوزه ساختار شهری، شورای اسلامی شهر کمالشهر به عنوان شورای نمونه شهری، شورای اسلامی بخش مرکزی به عنوان شورای نمونه بخشی، شورای اسلامی روستای سیاهکلان به عنوان شورای نمونه روستایی از بخش مرکزی و شوراهای اسلامی روستاهای نوجان، وینه و وله از بخش آسار به عنوان شوراهای نمونه روستایی معرفی شدند.

قاسم‌پور با اشاره به تلاش‌ها و خدمات بی‌وقفه اعضای شوراهای، این انتخاب را قدردانی از عملکرد مؤثر و پاسخ‌گو در سطح محلی دانست و افزود: امید است این روند مشارکت‌محور، الگویی برای



آیین گرامی‌داشت روز شوراها با حضور اعضای شوراهای اسلامی شهر، بخش و روستا در شهرستان کرج برگزار شد و طی آن از شوراهای و شهرداران نمونه در سطوح مختلف تجلیل به عمل آمد. در این مراسم علی قاسم‌پور، رئیس شورای اسلامی

شوراها و شهرداران نمونه شهرستان کرج معرفی شدند

افتخارات شورای ششم تکمیل ایستگاه‌ها و خطوط قطار شهری از ۴۵ متری گشهر تا شهید سلطانی با صرف منابع مالی، تدبیر و تسریع در ساخت و افتتاح بوده است؛ البته چالش‌های متعددی نیز مرتب سازمان قطار شهری کرج می‌باشد که عمده‌ترین آن کمبود رام قطار، تملک دیوی خوارزمی و نقصان پیمانکاری سیگنالینگ با درجه‌های استاندارد است که برخی از این اشکالات در سایه تحریم به کشور تحمیل گردیده و سایر کلان‌شهرها را نیز دچار نابسامانی در این حوزه نموده است.

از خط ۲ قطار شهری کرج و هم‌اندیشی با شرکت بهره‌برداری قطار شهری شهرداری تهران و عطف به مصوبات اخیر هیات مدیره سازمان قطار شهری متعاقب دعوت نامه شرکت بهره‌برداری تهران جلسه‌ی مشترک مدیران سازمانی قطار شهری کرج و شرکت بهره‌برداری تهران با حضور ناظرین شورای اسلامی شهر در محل شرکت مطروحه برگزار و در خصوص موضوعات امکان یا فرایند بهره‌برداری از خط ۲ قطار شهری کرج بحث و تبادل نظر گردید. ناظر سازمان قطار شهری کرج بیان کرد: یکی از

جواد چپدار رئیس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای شهر کرج و محمد اسدیان رئیس مرکز پژوهش و مطالعات راهبردی شورای شهر کرج از شرکت بهره‌برداری قطار شهری شهرداری تهران بازدید و در نشست برای رفع مشکلات این پروژه در کرج هم‌اندیشی کردند.

جواد چپدار در حاشیه بازدید از شرکت بهره‌برداری راه‌آهن تهران و حومه اظهار کرد: پیرو مصوبات کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر در خصوص مطالعه و بررسی امکان تحقق یا فرایند بهره‌برداری

بین چکه‌های شیر آب و فواید طبیعت؛

داناب، پلی میان دانش

آموز و فهم زیست پایدار

حمید رشید

اگر قرار باشد کشوری مانند ایران با اقلیم خشک و نیمه‌خشک، راهی برای ادامه حیات بیابد، آن راه از لوله‌های آبرسانی یا سدهای بتنی نمی‌گذرد؛ از کلاس‌های درس می‌گذرد. از تخته‌سیاه‌هایی که حالا شاید سفید شده‌اند، اما هنوز می‌توان روی‌شان آینده را نوشت. طرح داناب (دانش‌آموزان نجات آب) تلاشی‌ست فرهنگی برای القای یک ضرورت حیاتی: فهم تازه‌ای از زیستن در کشوری که دیگر حتی خیال باران هم نمی‌بارد.

در شرایطی که میانگین بارندگی در استان‌هایی مانند البرز از ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر در دهه‌های گذشته، به کمتر از ۲۸۰ میلی‌متر رسیده و برف‌های سنگین تنها خاطره‌ای در ذهن پیرمردهاست، هر گونه مدیریت منابع آبی بدون مشارکت مردم، خصوص نسل آینده، صرفاً یک مسکن است نه درمان.

کاهش بارش‌ها، بی‌نظمی اقلیمی، و افزایش دما باعث تسریع روند بیابان‌زایی، فرسایش خاک و از بین رفتن منابع ژئوتیکی گیاهی و جانوری در بسیاری از مناطق شده است. در چنین شرایطی، دیگر صرفاً با پمپ‌آب و اجرای طرح‌های انتقال نمی‌توان مشکل را حل کرد؛ باید انسان‌ها را با اقلیم جدید آشتی داد. واقعیت این است که الگوهای جهانی اقلیم تغییر کرده‌اند و ایران دیگر نمی‌تواند به تکرار منظم دوره‌های ترسالی و خشکسالی دل‌خوش کند. اقلیم جدید، اقلیم نامتوازن، ناپایدار و فریبکار است. در این اقلیم، توسعه پایدار فقط با سازگاری فرهنگی ممکن است، نه با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ اما بدون پشتوانه ذهنی مردم. ما با پدیده‌ای روبرو هستیم که در آن حتی تصور «بارش نرمال» نوعی خوش‌خیالی اقلیمی است.

اینجاست که طرح‌هایی مانند داناب اهمیت پیدا می‌کنند. این طرح نه صرفاً یک برنامه آموزشی، بلکه ابزاری برای تغییر ذهنیت است. از کودکانی که امروز با مفهوم «بحران آب» آشنا می‌شوند، شاید بتوان در دهه‌های آینده جامعه‌ای ساخت که در آن کسی شیر آب را بی‌هدف باز نمی‌گذارد یا چمن‌زار مصنوعی را به طبیعت خشک ایران تحمیل نمی‌کند. این کودکان، کنشگران آینده آب هستند؛ آن‌ها باید نه تنها مصرف‌کنندگان آگاه بلکه سیاست‌گذاران دانا شوند.

در طول سالیان، مدارس به عنوان سنگ‌بنای فرهنگ‌سازی اجتماعی، میدان تمرین مسئولیت‌های مدنی و اخلاقی بوده‌اند. از آموزش ایثار و فداکاری گرفته تا مدیریت بحران و رفتار شهروندی. حالا نوبت آن رسیده که «سازگاری اقلیمی» هم به فهرست این آموزش‌ها اضافه شود. آموزش نه به معنای انباشتن اطلاعات، بلکه به معنای درونی‌سازی مسئولیت. مسئولیتی که مستقیماً با بقا گره خورده است. نکته مهم اینجاست که هنوز بسیاری از مردم، حتی در مواجهه با واقعیت بی‌آبی، آن را انکار می‌کنند یا باور ندارند که این بحران، نتیجه عملکرد انسانی، مدیریت نادرست منابع، بهره‌برداری بی‌رویه و گاه فساد ساختاری در نظام‌های تصمیم‌گیری است. داناب قرار است از نسل بعدی، انسان‌هایی تربیت کند که درکی علمی، دقیق، و در عین حال انسانی از رابطه خود با طبیعت داشته باشند. نسلی که زمین را نه منبع بی‌پایان، که موجودی زنده و شکننده ببیند. نسلی که بداند آب، تنها مایع حیات نیست، بلکه حافظ حافظه زیستی یک ملت است؛ اما یک طرح خوب بدون اجرا، مثل آب پشت سد است؛ ظاهراً امیدبخش اما بی‌ثمر. اجرای مؤثر و پیوسته داناب، نیاز به هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و والدین دارد. فراموش نکنیم که آموزش اگر در خانه ادامه پیدا نکند، در مدرسه هم عمری ندارد.

مشارکت نهادهای محلی، تولید محتوای بومی برای هر منطقه با توجه به وضعیت منابع آبی، و تشویق دانش‌آموزان به پژوهش‌های میدانی در زمینه آب، می‌تواند داناب را از یک طرح اداری به یک جنبش فرهنگی واقعی بدل کند. در نهایت، تنها با تغییر در لایه‌های عمیق فرهنگ عمومی می‌توان به هم‌زیستی با اقلیم خشک امید بست. نه برای نجات آب، بلکه برای نجات خودمان. نجات انسان ایرانی از کابوس خشکسالی، بیابان، و از دست رفتن هویت زیست‌محیطی‌اش.

لزوم افزایش سهم سلامت از تولید ناخالص ملی

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه اهمیت به جان مردم شاخص توسعه حکومت است، گفت: سهم سلامت از تولید ناخالص ملی باید ۷.۵ درصد باشد؛ در حالی که ۳.۸ درصد است و به معنی آن است که کیفیت درمان پایین می‌آید.

محمدرضا ظفرقندی روز گذشته در گشایش چهل و ششمین کنگره جامعه جراحان ایران که در مرکز همایش‌های رازی برگزار شد، افزود: ضرورت دارد سهم سلامت از تولید ناخالص ملی افزایش یابد. برای تقویت سیستم بهداشت و درمان علاوه بر افزایش سهم سلامت از تولید ناخالص ملی، باید در کشور صلح و آرامش برقرار شود.

ظفرقندی تصریح کرد: اگر می‌خواهیم نیروی انسانی سالمی داشته باشیم باید در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات فضای رشد و کار ایجاد شود زیرا هیچ پیشرفتی بدون توجه به علم و معلم میسر نمی‌شود و باید سیستم‌های آموزشی تغییر یابد و آموزش گنج و تخته نیست بلکه در اخلاق، رفتار و عمل باید نهادینه گردد.

وزیر بهداشت با تاکید بر اهمیت احترام و تمکین قانون، گفت: برای توسعه سلامت لازم است پاسخگویی در برابر مسئولیت امری بدیهی باشد، مسئولیت بدون برنامه ریزی، باعث عدم توسعه می‌شود و لازم است پیش نیازهای توسعه پایدار را فراهم کنیم تا شاخص‌هایی مانند دستیابی به سلامت برابر و رفاه، پایین دادن به فقر، آب و هوای پاک، آموزش باکیفیت، برابری جنسیتی، پایان دادن به سوءتغذیه، جوامع فراگیر و صلح آمیز با نهادهای پاسخگو و عادلانه ایجاد شود.

ظفرقندی با بیان اینکه سالانه ۵۰ هزار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در کشور رخ می‌دهد، گفت: ضرر آلودگی هوا حدود ۱۲ میلیارد دلار در ایران است که لازم است سیاست‌های اساسی در زمینه اتخاذ شود.

وزیر بهداشت با اشاره به‌ایثار و فداکاری‌های جراحان در برهه‌های مختلف افزود: بزرگان امروز جراحی در دوران جنگ با علم دانش، ایثار و فداکاری بحران را مدیریت کردند و در بحران‌های مختلف نظیر کرونا و اکنون در حادثه بندر شهید رجایی در حوزه پزشکی کار بزرگی انجام شد و این در حالی است که بسیاری از افتخارات پزشکی سر به مهر می‌مانند.

ظفرقندی گفت: محور توسعه انسان سالم است و حوزه سلامت فقط درمان نیست بلکه بهداشت و مهم‌ترین آن ارتقای سواد سلامت است. به عنوان مثال ۵۰ درصد بیماران دیابتی از بیماری خود خبر ندارند یا سرطان سینه در زنان شایع است و با ارتقای سطح سواد سلامت جامعه، اگر بیماری‌ها به موقع تشخیص و درمان شوند در حقیقت کمک به خانواده شده است.

وزیر بهداشت گفت: بر اساس برنامه قانون برنامه هفتم پیشرفت، قیمت دارو بر اساس دستورالعمل وزارتخانه اعلام شد و بیمه‌ها باید مابه‌التفاوت افزایش دارو را پوشش دهند تا بیمار دغدغه و نگرانی در این زمینه نداشته باشد. به بیمه‌ها دستور داده شده است تا بر اساس اعلام سازمان و غذا، هزینه‌های افزایش قیمت دارو را بپردازند. به عنوان مثال آمپولی که پنج هزار تومان شده‌است، کارخانه آن را به سه هزار تومان تولید نمی‌کند. بسیاری از کشورهای همسایه برای درمان به ایران مراجعه می‌کنند و انواع و اقسام جراحی‌های پیشرفته به حد زیاد در کشور انجام می‌شود و از حوزه خلیج فارس بیشترین مراجعه کننده را داریم.

وی با اشاره به خالی بودن برخی صندلی‌های پزشکی، گفت: برخی از رشته‌ها مانند جراحی قلب و عروق سخت است و به میزان نیاز کشور نیست و باید یک برنامه جامع و آسیب شناسی درست درباره خالی بودن صندلی برخی از رشته‌های تخصصی پزشکی را طراحی کنیم و به دور از تنگ نظری و حسادت مشکلات را برطرف کنیم.

وزیر بهداشت ادامه داد: باید جراحی که در مناطق محروم خدمت می‌کند از امکانات برخوردار شود و مورد حمایت قرار گیرد.

۵۰۰ میلیارد تومان برای خرید میلگرد در مسکن محرومان هزینه شد

«حمیدرضا سهرابی» معاون مسکن شهری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی- با بیان اینکه ۱۲ هزار و ۶۰۰ واحد از واحدهای مسکن محرومان توسط بنیاد مسکن در سراسر کشور در حال ساخت است از تخصیص ۳۰۰ میلیارد تومان بلاعوض و ۲۰۰ میلیارد تومان از محل حساب ۱۰۰ امام (ره) برای خرید میلگرد برای مسکن محرومان خبر داد و گفت: سال گذشته در حوزه مسکن شهری که عموماً مخاطبان آن اقشار کم درآمد و حتی مسکن محرومان است، ۱۲ هزار و ۶۰۰ واحد شروع شده است که این تعداد واحد، به غیر از واحدهایی است که در قالب طرح نهضت ملی مسکن آغاز شد. از ۱۲ هزار و ۶۰۰ واحد مسکن محرومانی که توسط بنیاد مسکن آغاز شده و در مراحل مختلف پیشرفت فیزیکی قرار دارد، تعداد هشت هزار و ۱۰۰ واحد از واحدهای در تفاهم با سازمان ملی زمین و مسکن است.

وقتی عطاری‌اشی بانقاب رسانه، سلامت را باز چه می‌کند؛

صدای آژیر، زیر سایه تهمت

مهرداد تیموری

و اطلاعات میدانی نشأت می‌گیرند. پس چگونه ممکن است تمام این دستاوردها نادیده گرفته شوند و صرفاً بر یک عدد ثابت از «کمبود» تمرکز شود؟

راز ماجرا در همان واژه «کمبود» نهفته است. کمبود، در حوزه سلامت و فوریت‌های پزشکی، مفهومی ایستا نیست. در سال ۱۳۹۸، شاخص استاندارد نسبت پایگاه به جمعیت، ۱ پایگاه به ازای هر ۴۰ هزار نفر بود. اما امروز، با رشد سریع جمعیت، مهاجرت گسترده به استان البرز و گسترش ناموزون حاشیه‌نشینی، این نسبت به ۱ پایگاه برای هر ۲۵ هزار نفر رسیده است. به زبان ساده، حتی اگر پایگاه‌ها دو برابر شوند، ممکن است باز هم از منظر شاخص‌های روز دنیا «کمبود» تلقی شوند. اینجاست که باید مرز بین کار نکردن با نیاز فزاینده را روشن کرد. اعلام کمبود، الزاماً نشانه‌ای ناکارآمدی نیست؛ گاه، برعکس، نشان‌دهنده‌ی ارتقاء شاخص‌ها و استانداردها و تلاش برای بهتر شدن است. اورژانس البرز همواره از این منظر، فعال و در حال توسعه بوده است. از تجهیز تا جذب نیرو، از آموزش تا پاسخ‌گویی به بحران‌ها، کم‌فروشی در کار نبوده؛ پس چرا باید تلاش‌های این مجموعه، آن هم در دوران ریاست دکتر صیادی که همواره رویکردی تعاملی، علمی و متعهدانه داشته، به چنین شکل ناجوانمردانه‌ای نادیده گرفته شود؟ پاسخ شاید نه در «متن» که در «زمینه» نهفته باشد. زمینه‌ای که برآمده از دعوای قدیمی، پرونده‌های خاک‌خورده، و آدم‌هایی است که با نقاب رسانه، در جستجوی انتقام یا سود شخصی‌اند. یکی از آن‌ها، همان «عطاری‌اشی» است که هرگاه پایش به خط تخلف نزدیک‌تر می‌شود، ناگهان دغدغه سلامت عمومی‌اش گل می‌کند و تریبون را علیه مدیران پرتلاش باز می‌کند.

او که خود سال‌ها در بدنه نظام سلامت تخلفاتی داشته، حالا در هیئت طلبکار، از ناکارآمدی سخن می‌گوید، چرا که نظم و سلامت اداری با کسب‌وکار ناسالم او نمی‌خواند. پس چاره‌ای ندارد جز آن‌که با بازی در نقش منتقد، چوب لای چرخ بگذارد. غافل از آن‌که مردم کرج و استان البرز، دیگر میان نقد دلسوزانه و تخریب سازمان‌یافته فرق می‌گذارند. یادمان نرود: نقد، اگر منصفانه باشد، حتی درمندان‌ترتیش پذیرفتنی و ارزشمند است. اما تخریب،

در روزهایی که واژه «پاسخگویی» به اسم رمز برخی تخریب‌ها بدل شده، دوباره صدای آشنایی از سایه‌های رسانه‌ای شنیده می‌شود. صدایی که ظاهرش دغدغه‌مند است، اما باطناً چیزی جز تکرار مغرضانه و وارونه‌سازی واقعیت نیست. بهانه؟ کمبود پایگاه‌های اورژانس در استان البرز. هدف؟ تخریب دانشگاه علوم پزشکی البرز و شخص دکتر صیادی، بی‌آنکه اساساً ربطی مستقیمی به این ماجرا داشته باشند. پشت این هجمه‌ها نه مطالبه‌گری صادقانه، بلکه عطاری رسانه‌ساز با پرونده‌ای نچندان پاک با تخلفات متعدد خوابیده که برای کاسبی، عادت دارد در بسازد تا بعد معجون خودساخته‌اش را تبلیغ کند.

جریان این گونه است: در متنی که اخیراً در برخی شبه‌رسانه‌ها منتشر شده، پرسشی مطرح شده با این مضمون که «چرا مشکل کمبود پایگاه‌های اورژانس از پنج سال پیش تاکنون حل نشده؟» پرسشی که در ظاهر ساده، اما در بطن خود نادیده‌انگاری کامل تحولات پنج‌ساله اخیر و تلاش برای القای ناتوانی و بی‌عملی است.

بیا باید مستند و با عدد و منطق پاسخ دهیم: در همین پنج سالی که نویسنده‌ی ناشناس، با طعنه و هیاهو از تکرار کمبودها می‌نالد، ۱۸ پایگاه اورژانس جدید در استان ساخته و تجهیز شده است. آیا این عدد - در شرایط رکود بودجه، افزایش نرخ تورم، و تغییرات گسترده‌ی اقلیمی و جمعیتی - نشانه‌ی بی‌عملی است؟ همچنین، تنها در سال گذشته، ۸ دستگاه آمبولانس صفر کیلومتر به ناوگان اورژانس استان اضافه شده. بیش از ۱۰۰ نیروی جدید در اورژانس پیش‌بیمارستانی جذب شده‌اند. یک دستگاه اتوبوس آمبولانس ویژه حوادث گسترده و ۱۰ موتورلانس برای دسترسی سریع‌تر در نقاط پرتراکم نیز به چرخه خدمت وارد شده‌اند. این‌ها آمارهایی هستند که نه از روی گزارش‌های تبلیغاتی، بلکه از مصاحبه‌های رسمی

روایتی از پیشتازی کرمان در تولید انرژی از زیاله؛ طلای کثیف، سوخت فردا

علیرضا نظری

در دنیایی که بحران انرژی، سایه‌ای سنگین بر توسعه پایدار و زیست‌پذیری شهرها انداخته است، حرکت به سوی منابع جایگزین و پاک دیگر یک انتخاب نیست؛ ضرورتی است گریزناپذیر. در این میان، پسماندهای شهری که روزگاری مظهر زشتی، آلودگی و بوی تعفن بودند، امروز به‌درستی «طلای کثیف» لقب گرفته‌اند. اگرچه در ظاهر بی‌ارزش، اما در بطن خود حامل ظرفیتی عظیم برای تولید انرژی، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، و حفاظت از محیط‌زیست هستند. در چنین زمینه‌ای، خبر پیشتازی استان کرمان در اجرای پروژه تولید سوخت RDF (Refuse Derived Fuel) از پسماندهای خشک، نه‌تنها گامی بلند در مدیریت هوشمندانه پسماند است، بلکه الگویی قابل تسری برای دیگر استان‌های کشور محسوب



به‌ویژه وقتی پشت نقاب دغدغه‌ی مردم پنهان شده باشد، جز بی‌اعتباری نویسنده‌اش چیزی در پی ندارد. آینده این استان، بجای تفرقه و سم‌پاشی، نیاز به هم‌افزایی دارد؛ به حمایت از کسانی که با وجود تمام تنگناها، پای توسعه و سلامت ایستاده‌اند. اگر قرار است نقد کنیم، بیاییم دست‌کم آن‌قدر اخلاق حرفه‌ای داشته باشیم که واقعیت را تمام و کمال ببینیم، نه تکه‌تکه و جهت‌دار. دکتر صیادی، برخلاف بسیاری از مدیرانی که پشت میز نشینی را به حضور میدانی ترجیح می‌دهند، از آغاز مسئولیت خود، همواره پای کار بوده است؛ چه در دل بحران‌های کرونایی، چه در ساخت و تجهیز پایگاه‌های فوریت‌های پزشکی، چه در جذب نیروهای جوان و آموزش‌دیده، و چه در پیگیری اعتبارات از نهادهای مرکزی برای توسعه زیرساخت‌ها.

کارنامه او فقط بر کاغذ نیست، در میدان دیده می‌شود؛ در اورژانس‌هایی که سریع‌تر از همیشه به محل حادثه می‌رسند، در آمبولانس‌های نوسازی‌شده‌ای که در شرایط سخت اقتصادی فراهم شده‌اند، و در پایگاه‌هایی که در مناطق دور از مرکز شهر، امنیت سلامت را برای همه شهروندان به ارمغان آورده‌اند. علوم پزشکی البرز تحت ریاست او، نه فقط در اورژانس بلکه در بخش آموزش، بیمارستان‌ها، پژوهش و خدمات عمومی سلامت نیز جهش‌های محسوسی داشته است. وقتی عده‌ای در پی حاشیه‌سازی‌اند، او در پی ساختن و گسترش خدمات است؛ بدون ادعا، اما با تعهد. این مدیریت اخلاق‌محور و متعهد، آن‌چنان که باید و شاید، مورد ستایش قرار نگرفته و امروز، دفاع از چنین مدیریتی، نه فقط یک وظیفه رسانه‌ای، که یک مسئولیت انسانی است.

بسیاری از شهرهای ایران با بحران مدیریت پسماند مواجه‌اند: حجم بالای زیاله، دفن غیراصولی، آلودگی منابع آبی و خاکی، و از همه مهم‌تر، از دست رفتن یک منبع بالقوه انرژی. تا زمانی که سیاست‌گذاران، پسماند را نه یک تهدید، بلکه فرصتی برای تحول انرژی و زیست‌محیطی ندانند، کرمان تنها خواهد ماند. از سوی دیگر، موفقیت در اجرای طرح RDF نیازمند زیرساخت‌های فنی، آموزش عمومی، تفکیک از مبدأ، و هماهنگی کامل میان شهرداری‌ها، صنعت و بخش خصوصی است. همان‌گونه که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، شرکت‌هایی که به بازیافت انرژی از زیاله می‌پردازند، از معافیت‌های مالیاتی، یارانه‌های انرژی و اولویت‌های توسعه‌ای برخوردارند. در ایران نیز لازم است یک بسته سیاستی جامع برای پشتیبانی از سرمایه‌گذاران در این حوزه تدوین و اجرایی شود.



فراخوان جایزه پنجم کتاب سال جوانان منتشر شد

فراخوان پنجمین جایزه ملی کتاب سال جوانان ایران با یک سال وقفه انتشار یافت. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از دبیرخانه جایزه، پس از یک سال درنگ و دیرکرد که به دلیل شرایط ویژه کشور و رخدادهای پیاپی که در سال ۱۴۰۳ رقم خورد، سرانجام فراخوان پنجمین جایزه ملی کتاب سال جوانان ایران انتشار یافت. فلسفه وجودی این جایزه در مقام تنها آوردگاه رقابتی حوزه کتاب که برپایه رده بندی سنی تعریف شده است، شناسایی و تشویق برترین پدیدآورندگان جوان ایران است. دوره کنونی برخلاف گذشته که سالانه برگزار می شد، به ارزیابی و بررسی آثار جوانان زیر ۲۹ سال در بازه زمانی آغاز ۱۴۰۲ تا پایان ۱۴۰۳ می پردازد. کانون فرهنگ و اندیشه ایرانیان سازمان دهنده دبیرخانه و رویداد است و در جایزه پنجم معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ، نهاد کتابخانه های عمومی، خانه کتاب و ادبیات ایران و مرکز آموزش های کاربردی دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران از همکاران اصلی به شمار می آیند.

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۶

دنیای هوادار

فرهنگی

دست به نقد

تأملاتی بر فیلم «من شیفته دردم» از منظر شمایل ژورنالیسم در سینما؛

پینگ پنگ شیفگان افشا

محمد جواد فراهانی



پیتر که بخاطر چاپ کتاب جدیدش مورد توجه قرار گرفته، کمی دچار غرور شده است لذا در تهیه گزارش در مورد قطار تعلل می کند و سابرینا از طریق روزنامه شیکاگو گلوب حقایقی را در مورد شخصی به نام ری باگز افشا می کند. این اتفاق همچون تلنگری بر پیتر، او را وادار به فعالیت بیشتر پیرامون حقیقت می کند و از اینجا شمایل خبرنگاری که دلش نمی خواهد در یک رقابت بازنده باشد را شاهد هستیم. او سالیان طولانی در روزنامه ای فعالیت کرده که در انتشار اخبار دست اول پیش قدم بوده است اما حالا در مورد این پرونده خاص، قافیه را به روزنامه ای نچندان مطرح و خبرنگاری تازه کار باخته است. فیلم برای اینکه اهمیت ماجرا را از نظرگاه پیتر بهتر شرح دهد، در صحنه ای که او هنگام تایپ بجای حروف، تصاویر سابرینا را روی صفحه کلید می بیند، از آن فضای واقع گرایانه خارج می شود و با بکارگیری تمهید سوپرناتویستی، عمق افکار پیتر را نشان می دهد.

زین پس پیتر وارد میدان می شود تا جایگاهی که اکنون توسط سابرینا تصاحب شده را پس بگیرد و مجدداً به صدر اخبار بازگردد. حال برای اینکه رقابت میان این دو خبرنگار شکل درست تری به خود بگیرد، بر اساس آموزه های این کهن الگو لازم است تا پیتر و سابرینا قدرت یکسانی داشته باشند که با توجه به پیشینه پیتر و شهرتش، در وهله اول این امر میسر نیست اما این برابری زمانی که سابرینا در مورد پرونده واژگونی قطار به نتایج قابل تاملی می رسد، شکل درست خود را پیدا می کند. بنابراین پیتر هرچقدر به اطلاعات سابرینا نیاز داشته باشد، سابرینا نیز به همان میزان به تجربه پیتر نیاز دارد و این آغازگر جدالی بین این دو است.

در چنین داستانی که دو شخصیت درگیرشونده با هم بر سر هدف مشترکی به رقابت می پردازند اگر به اندازه کافی ویژگی های متمایزی در آن ها وجود نداشته باشند ممکن است نتیجه مطلوبی حاصل نشود. اما در این میان چیزی که نبرد پیتر و سابرینا را در چنین تقابل دیدنی تر می کند، مشخصه های این دو کاراکتر است که تفاوت های عمده ای را برجسته می کند. سابرینا که طبق شواهد، این اولین تجربه جدی او در خبرنگاری است بخاطر عدم سابقه ذهنی نسبت به افراد و اشخاص، کمتر دچار بدبینی است و همین امر سبب می شود او بدون واهمه، خطر را به جان بخرد و با هر فرد ناشناسی از نزدیک دیدار کند تا جایی که در مهم ترین ملاقاتش در راستای پرونده، جسد مردی را می بیند که سرخ مهمی برای کشف معمای فیلم می شود. از طرفی، در نقطه مقابل، پیتر محافظه کارتر برخورد کرده و سعی می کند اطلاعات مدنظرش را بیشتر از طریق تماس های تلفنی بدست آورد. اساساً همین تفاوت دیدگاه ها و تضادهای فکری است که تا نیمه فیلم رقابت را بین پیتر و سابرینا

قابل پیش بینی بوده و این پرسش پیش می آید که چرا سم بعد از ملاقات با پیتر و سابرینا اقدام موثری برای متوقف کردن آن ها انجام نمی دهد؟ سم که در میانه داستان با سابرینا و پیتر ملاقات داشته به خوبی آگاه است که آن ها ممکن است بزودی حقیقت را کشف کنند اما با این حال نقشه خاصی برای مقابله با آن ها ندارد. البته او در یک مورد سوء قصد را در دستور کار خود قرار می دهد اما نمی توان این اقدام او را به عنوان کنشی فعال در نظر گرفت؛ چرا که صرفاً در همین یک مورد خلاصه می شود و سم، قهرمانان داستان را در ادامه رها می کند. در واقع می توان بر این نکته تأکید کرد که وارکاس در جبهه آنتاگونیست در حد و اندازه های قطب پروتاگونیست ظاهر نمی شود و او از داشتن ویژگی های یک ضد قهرمان تمام عیار بی بهره است. همچنین زمانی که گره گشایی صورت می گیرد و ماجرای واقعی آشکار می شود، به جهت همکار بودن بکمن و وارکاس، کشته شدن بکمن به آن شکل در قطار، ابلهانه بنظر می رسد چرا که وارکاس می توانست خیلی ساده تر از دست او خلاصی یابد. فیلم برای اینکه رابطه میان سابرینا و پیتر به بستر مناسبی ختم شود، سابرینا را در مسیر کشف حقیقت تنها می گذارد. او در مسیر ماجراجویی بدون ترس خود، درصد حل معمای مربوط به آزمایش های بکمن برمی آید و آزمایشگاهی که بکمن تا پیش از مرگ، در آن مشغول به فعالیت بوده را کشف می کند و از حضور گاوها و سایر حیوانات در آن جا مطلع می شود. حال نقش پیتر نیز در راستای این کشف باید به اندازه سابرینا اهمیت داشته باشد، لذا زمانی که حضور وارکاس در آزمایشگاه به منزله خطری جانی برای سابرینا محسوب می شود، پیتر در نقش ناجی عمل کرده و با خروج به موقع اش از هواپیما، موفق به نجات سابرینا می شود. در پایان، تحول شخصیتی سابرینا و پیتر به نقطه مناسبی ختم می شود؛ چرا که پیتر دیگر آن آدم مغرور ابتدای فیلم نیست و سابرینا بعد از پشت سر گذاشتن پرونده ای پیچیده، دیگر آن خبرنگار بی تجربه آغاز فیلم نیست...

سرپا نگه می دارد. دو شخصیت در وهله های مهم داستانی اگر چه توانایی هایشان دقیقاً بر یکدیگر منطبق نیست اما ضعف داشتن در ویژگی خاصی در یکی، توسط دیگری جبران می شود. نوع شکل گیری رقابت نیز مورد توجه است و براساس قطب های متضاد قهرمان و ضد قهرمان نیست. سابرینا و پیتر هردو در جایگاه قهرمان هستند و رقابت شان یک رقابت بر سر پیروزی رسانه است. به همین دلیل هم است که بعد از رسیدن به نقطه میانی بحران، شاهد صلح این دو هستیم. پیتر و سابرینا با هم متحد می شوند تا گره از این پرونده مشکل با کمک هم باز کنند اما این به آن معنا نیست که به فکر منافع روزنامه و بستری که در آن کار می کنند نباشند. آن ها بیشتر به شهرت فردی خود فکر می کنند و بعد از صلح ظاهری شان جدالی تازه را آغاز می کنند. بنابراین بعد از تعهد درباره همکاری با یکدیگر، رقابت در سطح دیگری وقوع می پیوندد و آن ها باید درست مانند یک سیاستمدار رفتار کنند. زین پس آن ها سعی می کنند در کمال زیرکی، اطلاعات را از یکدیگر برپایند و بی شک اگر این صلح میان شان نبود، انتقال داده با شکلی جدید ممکن نبود. اهمیت کشف حقیقت برای قهرمانان داستان تا جایی ادامه می یابد که تمام نیازهای شخصی و اعمال آنان در همین جهت ساماندهی می شود. بر این اساس، فیلم سعی می کند در نیمه دوم به الگوهای کمدی موقعیت و کمدی عاشقانه نزدیک شده و با قراردادن کاراکترها در موقعیت های نامتعارف، بحران را تشدید کند. نقطه اوج این بحران نیز صحنه ای است که پیتر و سابرینا هنگام فرار از دست نیروهای وارکاس مجبور به ازدواج موقت می شوند. در پیرنگ رقابت، ضدقهرمان از قدرتمند شدن قهرمان آگاه است و همین که ضدقهرمان دائم احساس ناامنی کند و رویارویی ناگزیری را پیش روی خود ببیند، منجر به افزایش ترس می شود. در عطف دوم داستان، زمانی که از چهره واقعی آنتاگونیست رونمایی می شود، نه تنها این ترس درون شخصیت سم یا همان وارکاس دیده نمی شود بلکه غافلگیری مد نظر فیلم نامه نویس بسیار

اجرای طرح‌های آبی بامشکل

مالی، روبه‌روست

وزیر نیرو ضمن هشدار درباره وضعیت آب در کشور و تهران بر اهمیت پیشبرد دقیق و به موقع پروژه‌های اضطراری آب در سراسر کشور تاکید کرد و گفت: امروز با مشکل تامین مالی برای پیشبرد این پروژه‌ها روبه‌رو هستیم.

«عباس علی‌آبادی» روز گذشته در نشست با مدیران صنعت آب و آبفا کل کشور با اشاره به برگزاری جلسه با حضور معاون اول رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و نیز برخی از وزرای دولت چهاردهم با موضوع «آب»، افزود: بر اساس گزارش ارائه شده در این جلسه با بحران جهانی آب روبه‌رو هستیم، در این گزارش خاورمیانه به عنوان کانون این بحران مورد اشاره قرار گرفته است که بیانگر اوضاع نگران‌کننده آب در ایران است. باید از این آدرس‌ها استفاده کنیم و پیشبرد اقدام‌ها را به صورت جدی در دستور کار قرار دهیم.

وزیر نیرو در باره اهمیت «آب» در آیات الهی به عنوان مایه حیات و ماده‌ای با ارزش، ادامه داد: این در شرایطی است که این مایه حیات به عنوان کم‌ارزش‌ترین ماده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه همه طرح‌های اساسی صنعت آب و آبفا التیام بخش وضع موجود بوده است، افزود: این امر با افزایش تاب‌آوری همراه شده است اما هیچ کدام مشکل و چالش صنعت آب کشور را به طور اساسی مرتفع نمی‌کند؛ در چنین شرایطی باید با اتکا به راهکارهای طولانی مدت به توسعه پایدار کشور برسیم.

وزیر نیرو ضمن ابراز نگرانی از بارگذاری جمعیت در تهران، مشهد و سایر کلانشهرهای کشور، ادامه داد: توسعه صنعت و بارگذاری جمعیتی نیازمند تامین آب است.

وزیر نیرو با اشاره به افزایش دمای هوای جهانی و ایران و نیز تأثیر آن بر افزایش مصرف آب خاطرنشان کرد: هم‌اکنون که در اواسط اردیبهشت قرار داریم، وضعیت دمای هوای کشور بیانگر افزایش ۴.۵ درجه‌ای نسبت به سال گذشته است.

علی‌آبادی افزود: این در حالی است که دمای هوا در سال گذشته نیز در مقایسه با گذشته ۲.۵ درجه افزایش را به ثبت رسانده بود بنابراین در مجموع در دو سال اخیر با افزایش ۷ درجه‌ای دمای هوا نسبت به میانگین گذشته روبه‌رو شده‌ایم.

به گفته این عضو کابینه دولت چهاردهم، اکنون نرخ افزایش دمای هوا در برخی از شهرهای کشور تا ۲ برابر یعنی ۱۰۰ درصد افزایش یافته که با افزایش مصرف آب همراه می‌شود.

وزیر نیرو چالش دیگر صنعت آب را خشک شدن اکثر چاه‌های آب برشمرد و گفت: از مجموع چاه‌های مجاز، تعداد قابل توجهی خشک شده و بسیاری دیگر در عمق ۱۵۰ متری خشک شده‌اند.

وزیر نیرو ادامه داد: در چنین شرایطی باید جلوی بارگذاری جمعیت و هدر رفت آب گرفته شود در کنار آن باید همه آب‌های مصرفی به مرحله بازچرخانی برسند.

علی‌آبادی با تاکید بر ورود فناوری نوین در حوزه تولید آب شیرین با کم‌ترین مصرف انرژی و کیفیت بالا، افزود: طرح‌های اضطراری آب باید به فوریت به مرحله اجرا برسد اما در کنار آن لازم است تلاش و اهتمام ویژه را به کار بست تا آب تازه تولید و مصرف آب مدیریت شود.

وی پیشبرد طرح‌های دراز مدت، بازچرخانی آب و کاهش مصرف آب را سه ضلع اصلی مثلث رفع چالش صنعت آب کشور در شرایط کنونی برشمرد و گفت: در کنار این مهم باید توجه ویژه‌ای نیز بر اقتصاد آب شود.

وزیر نیرو تعیین سرانه مصرف آب برای هر ایرانی را نیازمند توجه به شرایط اقلیمی و منابع موجود آب کشور دانست و خاطرنشان کرد: امروز موضوع «حیات» در کنار «بهداشت» مطرح است و باید تعیین سرانه مصرف آب منطبق با شرایط منابع آبی کشور شود.

حذف شرط «قدمت بنا» برای دریافت تسهیلات خرید مسکن

بانک مسکن با هدف تسهیل در شرایط خانه‌دار شدن اقشار جامعه، ضمن افزایش سقف تسهیلات خرید، جعاله تعمیر و ودیعه مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم استفاده از تسهیلات مسکن (تسه)، شرط قدمت بنا را از فرایند پرداخت تسهیلات خرید حذف کرد.

افزایش سقف این تسهیلات با هدف ارتقای اثربخشی مبلغ پرداختی در مقایسه با ارزش املاک مسکونی، تقویت قدرت خرید خانوارها و پاسخ به نیازهای مالی متقاضیان در شرایط کنونی بازار مسکن انجام شده است. بر این اساس، سقف تسهیلات خرید مسکن در شهر تهران به پنج میلیارد ریال، در مراکز استان‌ها و شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر به چهار میلیارد ریال و در سایر مناطق شهری به سه میلیارد ریال افزایش یافته است.

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۶

دنیای سوادار

اقتصاد

مسکن

«دنیای هوادار» از تناقض عجیب سیستم وام‌دهی مسکن در ایران گزارش می‌دهد؛

وام‌هایی برای عددسازی!



نگارسلحشور

از امروز افزایش سقف وام خرید مسکن اجرایی شد. عددها بزرگ‌تر شده‌اند، اما آیا خانه‌دار شدن هم نزدیک‌تر شده است؟

در دنیای امروز که رویای خانه‌دار شدن برای بسیاری از خانواده‌های شهری هر روز دورتر می‌شود، انتشار خبر افزایش سقف وام مسکن در نگاه اول ممکن است شبیه به نسیمی از امید باشد. رقم‌های جدید چشم‌گیرند: وام یک میلیارد و ۲۸۰ میلیون تومانی برای زوج‌های تهرانی و ۷۸۰ میلیون تومانی برای افراد مجرد. اما در پس این ارقام وسوسه‌انگیز، یک واقعیت تلخ اقتصادی پنهان است: هزینه خرید اوراق حق تقدم تسهیلات مسکن - همان «تسه»‌هایی که کلید استفاده از این وام‌ها هستند - به اندازه‌ای سنگین است که عملاً به مانعی برای همین تسهیلات بدل شده‌اند.

جزئیات وام جدید مسکن چیست؟

وام زوجین در تهران (شامل همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر) از دو وام جداگانه شامل وام یک میلیارد تومانی خرید با بازپرداخت ۱۲ ساله و نرخ سود ۲۲.۵ درصدی و وام ۲۸۰ میلیون تومانی جعاله مسکن با بازپرداخت ۵ ساله و نرخ سود ۲۲.۵ درصدی است.

رقم اقساط ماهانه آن مجموعاً ۲۷ میلیون و ۹۵۰ هزار و ۷۲۵ تومان طی ۵ سال نخست و از سال ششم به بعد ۲۰ میلیون و ۱۳۷ هزار تومان خواهد بود.

وام فردی نیز در تهران شامل وام ۵۰۰ میلیونی خرید و ۲۸۰ میلیون تومانی جعاله است که اقساط ماهانه آن در ۵ سال نخست حدود ۱۷.۷ میلیون تومان و از سال ششم به بعد اندکی بیش از ۱۰ میلیون تومان است.

برای روشن‌تر شدن مسئله، کافی است به اعداد نگاه کنیم. برای دریافت وام یک میلیارد و ۲۸۰ میلیونی، زوجین تهرانی باید ۲۵۶۰ برگه اوراق «تسه» خریداری کنند. اگر قیمت هر برگه را به‌طور میانگین ۱۰۷ هزار تومان در نظر بگیریم، هزینه نهایی برای تهیه اوراق به حدود ۲۷۴ میلیون تومان می‌رسد. یعنی چیزی نزدیک به ۲۱ درصد کل مبلغ وام! این وضعیت برای وام‌گیرندگان انفرادی هم بهتر نیست: برای وام ۷۸۰ میلیونی، باید ۱۶۷ میلیون تومان فقط صرف خرید اوراق شود. به بیان دیگر، قبل از آنکه حتی به یک آجر برسید، باید حدود یک‌پنجم مبلغ وام را از جیب خود برای خرید اوراق پرداخت کرده باشید.

ریشه بحران کجاست؟

ریشه این تناقض در ذات سیاست‌گذاری مالی در بخش مسکن نهفته است. افزایش سقف وام‌ها، در غیاب اصلاح ساختاری در نظام اعطای تسهیلات و بدون کنترل روی نرخ اوراق، تنها به یک شواف مالی بدل می‌شود. وقتی قیمت خانه در تهران از مرز ۷۰ میلیون تومان در هر متر گذشته، این وام‌ها - حتی با سقف جدید - تنها بخشی کوچک از هزینه یک واحد آپارتمان را پوشش می‌دهند. حال اگر برای دریافت همین بخش کوچک، فرد یا خانواده مجبور شود مبلغی هنگفت را پیش‌تر هزینه کند، کل فلسفه حمایتی وام مسکن زیر سوال می‌رود. افزایش سقف وام باید هم‌زمان با دو اقدام دیگر صورت می‌گرفت: یا باید قیمت اوراق کاهش می‌یافت و یا بانک مسکن بخشی از هزینه خرید اوراق را بر عهده می‌گرفت؛ در غیر این

صورت، افزایش اسمی تسهیلات فقط به نفع بازار سرمایه و خریداران عمده اوراق است، نه متقاضیان واقعی مسکن.

قیمت اوراق پایین آمده، اما نه برای شما

ممکن است بپرسید چرا در این گزارش گفته شده که قیمت اوراق کاهش یافته؟ درست است؛ قیمت «تسه» از ۱۴۰ هزار تومان در بهمن‌ماه به حدود ۱۰۷ هزار تومان در اردیبهشت رسید. اما این کاهش صرفاً یک عقب‌نشینی نسبی است؛ کاهش‌هایی که با رشد سقف وام خنثی شده و فشار مالی روی دوش متقاضیان همچنان پابرجاست. در واقع با افزایش مبلغ وام، تعداد برگه‌های لازم هم بالا رفته و مبلغ کلی خرید اوراق نه‌تنها کم نشده، بلکه به سطوح خیره‌کننده‌ای رسیده است. از سوی دیگر، این اوراق در بازار سرمایه با نوسان بالا معامله می‌شوند و ممکن است با افزایش تقاضا، بار دیگر قیمت‌شان صعود کند. یعنی همین مقدار هزینه‌ای که امروز برای خرید اوراق در نظر می‌گیریم، فردا ممکن است بیشتر شود. خانه‌دار شدن، در این منطق اقتصادی، شبیه به تعقیب یک سراب است: هرچه بیشتر تلاش می‌کنی نزدیک شوی، بیشتر دور می‌شود.

راهکار فوری، حذف یا کاهش هزینه خرید اوراق برای متقاضیان واقعی است. دولت می‌تواند با هدف‌گذاری بهتر منابع مالی، بخشی از این هزینه را مستقیماً پرداخت یا با انتشار اوراق یارانه‌ای، قیمت «تسه» را کنترل کند. همچنین می‌توان مدل‌های جایگزینی مانند «وام بدون اوراق» برای اقشار خاص، یا سهمیه‌بندی برگه‌های «تسه» بر اساس شاخص توان مالی و نیاز واقعی خانوارها طراحی کرد. در بلندمدت اما، باید به دنبال نوسازی ساختار تأمین مالی مسکن در کشور بود؛ ساختاری که به جای انتقال بار سنگین به دوش مردم، نقش تسهیل‌گر واقعی را ایفا کند. بازار اوراق نباید به محل سوداگری و کسب سود تبدیل شود، بلکه باید پلی باشد میان بانک، دولت و مردم، برای تحقق یک حق انسانی: داشتن سرپناه.

وامی برای نجات بازار، نه مردم

سیاست افزایش سقف تسهیلات مسکن، دست‌کم روی کاغذ، گامی به سوی بهبود وضعیت دسترسی خانوارها به مسکن معرفی می‌شود. اما واقعیت میدانی و محاسبات ساده‌نشان می‌دهد این سیاست نه‌تنها ناتوانسته‌اند تیمای بر زخم‌های عمیق مسکن‌نداری در طبقه متوسط و فرودست باشد، بلکه با تحمیل هزینه‌های هنگفت اولیه از

طریق خرید اوراق، به نوعی «وام با پیش‌پرداخت سنگین» تبدیل شده که فلسفه وجودی آن را زیر سؤال می‌برد. در یک نگاه کلان، این سیاست بیش از آنکه در خدمت نیاز واقعی شهروندان برای تأمین سرپناه باشد، در خدمت حفظ گردش نقدینگی در بازار سرمایه و حفظ ظاهری از کارآمدی نهادهای مالی است. خانه‌دار شدن بهانه‌ای شده تا سودی به جیب سرمایه‌گذاران بازار اوراق و فعالان فرابورس برود. حتی کاهش ظاهری قیمت اوراق «تسه» نیز وقتی در برابر افزایش تعداد لازم برای وام‌های بزرگ‌تر قرار می‌گیرد، عملاً بی‌اثر می‌شود. هم‌زمان با این وضعیت، جای خالی رویکرد عدالت‌محور و حمایتی به‌شدت حس می‌شود. در حالی که سیاست‌گذاران می‌کوشند با عددسازی‌هایی مانند «افزایش سقف وام»، فضای رسانه‌ای را کنترل و افکار عمومی را به سمت بهبود وضعیت هدایت کنند، واقعیت این است که برای دهک‌های پایین و حتی میانه جامعه، ورود به بازار مسکن همچنان یک رؤیای محال باقی مانده است. وقتی برای دسترسی به یک وام یک میلیاردی، باید چیزی نزدیک به ۲۷۰ میلیون تومان فقط بابت اوراق پرداخت شود، این دیگر وام نیست؛ بلکه خرید گران‌قیمت مجوز وام است.

دولت اگر واقعاً به دنبال حمایت از متقاضیان واقعی مسکن است، باید یک بازنگری اساسی در سیاست‌های فعلی انجام دهد. اول، باید اوراق «تسه» برای خانوارهای کم‌درآمد یا خانه‌اولی‌ها رایگان یا یارانه‌ای شود. دوم، مدل‌های مبتنی بر توان بازپرداخت طراحی شود تا به جای عده‌های اسمی و بزرگ، واقعاً دسترسی به وام تسهیل گردد. سوم، مشارکت فعال بانک‌ها در قالب تسهیلات بدون نیاز به اوراق برای مناطق محروم و یا پروژه‌های مشارکتی باید گسترش یابد. و نهایتاً، دولت باید از ابزارهای نظارتی و مالیاتی برای مهار سوداگری در بازار مسکن استفاده کند تا خانه به یک کالای مصرفی و انسانی بازگردد، نه یک شیء تجملاتی و سرمایه‌ساز. در غیر این صورت، این مسیر همچنان ادامه خواهد یافت: انتشار خبرهای امیدوارکننده، ارقام بزرگ و وعده‌هایی با ظاهر فریبنده؛ اما در واقعیت، مردم تنها با دیوارهای بلندتری روبه‌رو می‌شوند. سقف وام‌ها ممکن است بالا رفته باشد، اما کف قدرت خرید مردم پایین‌تر از همیشه است. و این شکاف هر روز عمیق‌تر می‌شود، مگر آنکه سیاست‌گذاران به جای بازی با اعداد، با واقعیت‌های معیشتی مردم مواجه شوند و نظام تسهیلاتی کشور را از نو و برای مردم بازطراحی کنند.

نگاهی به پراکندگی جغرافیایی قهرمانان لیگ برتر؛

«جامی» چنین میانه میدانم آرزوست

سعید احمدیان

بررسی پراکندگی جغرافیایی قهرمانان ۲۴ دوره گذشته لیگ برتر فوتبال بیانگر این است که تیم‌های تنها ۴ استان توانسته‌اند جام قهرمانی را بالای سر ببرند و ۲۷ استان از این افتخاری بهره برده‌اند.

تکلیف بیست و چهارمین دوره لیگ برتر فوتبال زودتر از موعود مشخص شد و در فاصله ۲ هفته تا تمام شدن مسابقات، تراکتور توانست در هفته بیست و هشتم در قزوین، جشن قهرمانی بگیرد. تراکتور پس از ۱۵ سال که از بازگشت دوباره این تیم به لیگ برتر می‌گذشت، توانست برای اولین بار جام قهرمانی را به تبریز ببرد. حالا نام آن‌ها نیز وارد باشگاه قهرمانان لیگ برتر شده است، تیمی که در ۱۵ سال اخیر، سه بار تا یک قدمی جام قهرمانی رفت اما در نهایت دست آن‌ها به جام نرسید و در کسب نایب قهرمانی هت‌تริก کردند.

اولین دوره لیگ برتر فوتبال در حالی از سال ۸۰ آغاز شد که تراکتور هشتمین تیمی است که توانسته جام قهرمانی لیگ برتر را به وینترین افتخاراتش اضافه کند. پیش از تراکتور، تیم‌های پرسپولیس، سپاهان، استقلال، فولاد، پاس، سایپا و استقلال خوزستان توانسته بودند قهرمان لیگ شوند.

در این بین پرسپولیس با ۹ قهرمانی بیشترین قهرمانی را در لیگ برتر به دست آورده است. آن‌ها تقریباً نزدیک به ۲ برابر نسبت به تیم دوم جام، با فاصله در رده اول هستند. پس از پرسپولیس، سپاهان قرار دارد که توانسته ۵ عنوان قهرمانی کسب کند. استقلال با ۴ و فولاد با ۲ جام در رده‌های سوم و چهارم هستند. تیم‌های پاس، سایپا، استقلال خوزستان و تراکتور هم یک بار موفق به قهرمانی در لیگ برتر شدند. از بین ۸ قهرمان لیگ برتر، پرسپولیس، استقلال، سپاهان، فولاد، استقلال خوزستان و تراکتور همچنان در سطح اول فوتبال ایران حضور دارند. سایپا فصل گذشته سقوط کرد و در حال حاضر در دسته اول بازی می‌کند.

پاس هم به عنوان یکی از تیم‌های مطرح دهه ۷۰ فوتبال باشگاهی ایران که قهرمان سومین دوره لیگ برتر است، شاید جالب باشد بدانید که در حال حاضر این تیم اصلاً وجود خارجی ندارد. باشگاه پاس در سال ۸۵ به استان همدان منتقل شد و فصل به فصل به یک روند نزولی به پایین‌ترین سطح فوتبال ایران رفت، آن هم تیمی که آخرین باشگاه ایرانی است که توانسته قهرمان جام باشگاه‌های آسیا شود!

نگاهی به پراکندگی استانی تیم‌های قهرمان لیگ برتر نشان می‌دهد که تنها ۴ استان از ۳۱ استان کشورمان، تیم‌هایشان توانسته‌اند جام را برنده شوند. این نشان می‌دهد که تنها ۱۲ درصد استان‌های کشور توانسته‌اند قهرمان لیگ شوند و ۸۸ درصد استان‌ها سهمی از کسب افتخار در سطح اول فوتبال کشورمان ندارند و دست تیم‌هایشان جام قهرمانی را لمس نکرده است.

تهران، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی، استان‌هایی هستند که تیم‌هایشان توانسته‌اند قهرمان شوند. استان تهران با ۴ تیم قهرمان (پرسپولیس، استقلال، سایپا و پاس) و کسب ۱۵ جام (پرسپولیس ۹، استقلال ۴، پاس یک و سایپا یک) از ۲۴ جام توزیع شده، در رده اول استان‌های پرافتخار لیگ برتر فوتبال قرار دارد. تهران بیش از ۶۲ درصد قهرمانی‌های لیگ برتر را به خودش اختصاص داده است.

استان اصفهان با یک تیم قهرمان (سپاهان) و ۵ عنوان قهرمانی که توسط این تیم در بیست و چهار دوره گذشته به دست آمده، در رده دوم استان‌های پرافتخار لیگ برتر با کسب ۲۱ درصد جام‌ها قرار دارد.

استان خوزستان با ۲ تیم قهرمان (فولاد و استقلال خوزستان) و کسب ۳ جام قهرمانی (فولاد ۲ و استقلال خوزستان یک) در رده سوم از نگاه آماری استان‌های کشور است. خوزستانی‌ها ۱۲ درصد قهرمانی‌های ۲۴ دوره گذشته لیگ را کسب کردند.

استان آذربایجان شرقی هم با یک قهرمان (تراکتور)، یک جام را در لیگ برتر به نام خودش زده است و در رده چهارم پرافتخارترین استان‌های لیگ قرار دارد.

۸۵ درصد پروازهای حج از ترمینال سلام شهر فرودگاهی انجام می‌شود

«سعید چلندری» مدیرعامل شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) گفت: ۸۵ درصد پروازهای حج تمتع و عمره مفرد از ترمینال سلام شهر فرودگاهی انجام می‌شود که ۴۰ درصد آن مختص حج تمتع است. پیرو دستور وزیر راه و شهرسازی، مجموعه دستگاه‌های حوزه حمل‌ونقل هوایی و آن وزارتخانه همه توان خود را برای انجام هرچه بهتر عملیات حج تمتع ۱۴۰۴ بسیج کرده‌اند. ترمینال سلام از سال ۱۴۰۱ به بهره‌برداری رسید و به میمنت تدفین شهید عزیز، این ترمینال به عنوان ترمینال ویژه پروازهای عتبات و حج ثبت بین‌المللی شد. چلندری با اشاره به سهم ترمینال سلام شهر فرودگاهی امام خمینی در اعزام و پذیرش زائران، گفت: ۷۵ درصد پروازهای عتبات عالیات و ۸۵ درصد پروازهای حج تمتع و عمره مفرد از ترمینال سلام شهر فرودگاهی انجام می‌شود که ۴۰ درصد آن مختص حج تمتع است.



ورزشی

دنیای هوادار

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۶

آبی‌ها

استقلال سیاسی، سیاست استقلال...؟!



اردوگاه سرخ‌های پایتخت را بیش از پیش سیاستی کرده است. در واقع، جنگ سیاست از هم‌اکنون برای فصل بعد در حال خودنمایی است. خدا به داد فوتبال بیچاره برسد که باید چنین فضایی را تحمل کند...!

متأسفانه سیاست استقلال، بیش از آن‌که رنگ و لعاب فوتبالی داشته باشد، سیمای سیاسی دارد!

به راستی! چرا باید بلافاصله بعد از نزد دلچسب استقلال، که پس از ماه‌ها به‌دست آمد و کام طرفداران این تیم را شیرین کرد، با انتصابی سؤال‌برانگیز، سایه سیاست بر پیکر استقلال طنین‌انداز شود؟ اگرچه پاسخ روشن است، اما اتفاقات متن و حاشیه صندوق بازنشستگان نفت، دلالت بر اتفاقاتی دارد که بیم آن می‌رود استقلال تبدیل به میدانی برای تسویه‌حساب سیاسی شود. البته پرسپولیس‌ها هم زیاد خوشحال نباشند؛ چراکه قهرمانی تراکتور، ناخواسته فضای حاکم بر

مجید سعیدی

این که سال‌هاست سیاست بر ورزش، به‌ویژه فوتبال، سایه انداخته (!) حرف تازه‌ای نیست. در ایران، چون بنیان‌های فوتبال توسط رجال سیاسی وقت شکل گرفته، سیاست‌زدگی امری بدیهی است؛ ولو این که فیفا به‌طور شکلی، دولت‌ها را از دخالت در فوتبال منع نماید. این مقدمه، تلنگری است به سیاست مدیریت باشگاه استقلال که استنباط می‌شود؛ با وجود حضور مردانی از جنس فوتبال، نظیر دکتر اسدی و نظری جویباری و همچنین خانم دکتر شجاعی در هیأت‌مدیره استقلال،

«رئیس هیأت آمادگی جسمانی شاهین شهر و میمه» در گفت‌وگو با «دنیای هوادار» تأکید کرد؛

خانواده قوی، ورزش قوی، ایران قوی

پایش آمادگی جسمانی و ارتقای تندرستی خانواده‌ها ویژه بانوان را برای اولین بار با شعار خانواده قوی، ورزش قوی، ایران قوی در شاهین‌شهر برگزار کردیم. حسینی در ابتدای این گفت‌وگو اظهار کرد: طرح ملی پایش آمادگی جسمانی و ارتقای تندرستی خانواده، ویژه بانوان، در روزهای دهم و یازدهم اردیبهشت‌ماه جاری در شاهین‌شهر به اجرا درآمد که با استقبال خوب بانوان روبه‌رو شد.

رئیس هیأت آمادگی جسمانی و تندرستی شاهین‌شهر، تصریح کرد: این طرح از سوی وزارت ورزش و جوانان، در راستای ارتقاء سبک زندگی سالم و فعال، به استان‌ها ابلاغ شده است و باید با همکاری امور بانوان اداره کل ورزش و جوانان، هیأت پزشکی ورزشی استان، و هیأت آمادگی جسمانی شهرستان شاهین‌شهر، برای بانوان شاغل در ادارات و دستگاه‌های اجرایی، زنان خانه‌دار، دانشجویان و... به مدت دو روز در شاهین‌شهر برگزار می‌شود.

وی افزود: در این طرح، سطح آمادگی جسمانی و ساختار قامتی تعداد ۲۳۵ نفر از اقشار مختلف بانوان شهرستان شاهین‌شهر و میمه، توسط کارشناسان و متخصصان آمادگی جسمانی و حرکات اصلاحی، مورد سنجش و پایش قرار گرفت. رئیس هیأت آمادگی جسمانی و تندرستی شاهین‌شهر گفت: هدف از اجرای این طرح، حضور گسترده بانوان در رده‌های سنی ۱۸ تا ۶۰ سال،



اصغر قلندری

سیده گلنار حسینی، دارای دکترای مدیریت ورزشی و با ۲۳ سال سابقه خدمت در اداره کل ورزش و جوانان (از جمله ۷ سال سابقه مدیریت در روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری)، با کسب رتبه برتر در میان مدیران روابط عمومی در چندین دوره، و سابقه آموزش دوره عالی خبرنگاری زیر نظر دانشکده خبر تهران (سال ۱۳۸۸)، دارای عناوین قهرمانی در رشته‌های دو و میدانی و آمادگی جسمانی، رئیس هیأت آمادگی جسمانی چهارمحال و بختیاری، مدرس رسمی فدراسیون آمادگی جسمانی، مربی و داور درجه ۲ آمادگی جسمانی، و مربی دو و میدانی، از شایستگان و نخبگان ورزش بانوان است.

او در گفت‌وگو با دنیای هوادار گفت: «طرح ملی

اعزام داوران ایرانی به مسابقات هندبال ساحلی قهرمانی آسیا در سکوت خبری!

صمد خزابی

به‌نوعی، این دو داور ایرانی در سکوت کامل خبری، جهت قضاوت در مسابقات قهرمانی آسیا عازم عمان شدند.

امید می‌رود نه‌تنها در روزهای آینده، خبر حضور این کوبل ارزشمند در سایت رسمی فدراسیون بارگذاری و منتشر شود، بلکه کمیته داوران فدراسیون هندبال با همکاری روابط عمومی، دیدارهایی را که در جریان دهمین دوره مسابقات هندبال ساحلی قهرمانی آسیا قضاوت خواهد بود، نیز بر عهده کوبل داوری کشورمان خواهد بود، نیز به‌صورت رسمی انعکاس نیافته است.

ارسال نامه‌ای به فدراسیون هندبال ایران، از دو داور بوشهری، آقایان عبدالله ساجدی و احمدرضا محمودی برای قضاوت در این مسابقات دعوت به عمل آورد.

در شرایطی که انتظار می‌رفت این خبر در رسانه‌ها مورد استقبال قرار بگیرد، متأسفانه هیچ خبرگزاری تا این لحظه به‌صورت رسمی به آن نپرداخته است. با وجود اینکه در فضای مجازی، این خبر با استقبال و حمایت خانواده هندبال همراه بود، اما حتی تا این لحظه از سوی فدراسیون هندبال نیز به‌صورت رسمی انعکاس نیافته است.

دهمین دوره مسابقات هندبال ساحلی مردان آسیا، با شرکت ۹ تیم، از تاریخ ۱۶ لغایت ۲۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری، به میزبانی مسقط در کشور عمان برگزار خواهد شد.

در این رقابت‌ها، دو تیم برتر جواز حضور در مسابقات قهرمانی هندبال ساحلی مردان جهان را کسب می‌کنند.

در همین رابطه، کمیته داوران کنفدراسیون هندبال آسیا، پیش از شروع این مسابقات، با



■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری ■ سردبیر: مهدی تیموری

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری ■ صفحه آرا: امیر بیات

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ ■ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ ■ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۰۶

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

وضعیت کارگران در ایران

از درجه آمار

تعداد کارگران در ایران
حدود ۱۳ میلیون
نفر است، برابر با ۱۲ درصد کل جمعیت



سالانه حدود

۸۰۰ کارگر

بیمه شده در حوادث ناشی از کار جان می بازند



حداقل دستمزد با احتساب ۱.۳ فرزند **حدود ۳۰ درصد** از سبد هزینه های را پوشش می دهند



حداقل درآمد روزانه کارگران در سال ۱۴۰۴ برابر **۳۴۶۳۰۰ تومان**



۱۳.۷ میلیون نفر | ۳.۷ میلیون نفر | ۳.۲ میلیون نفر

کارگران

در بخش های مختلف

بازنشستگان

بخش عمومی

بخش خصوصی

۲۱۵۶۰۹۳۰ نفر

شاغلان بخش خصوصی



۲۰۴۶۱۱۱ نفر

بیکار

۲۵۲۳۹۲۸۹ نفر

شاغل



۶۵۲۴۱۵۳۸ نفر

جمعیت در سن کار

آمار کلی اشتغال در ایران

۳۵۶۸۳۵۹ نفر

شاغلان بخش عمومی



۸۳۶۹۲۷۶ نفر

شاغلان بخش صنعت



۱۳۰۸۸۹۳۹ نفر

شاغلان بخش خدمات

۳۶۵۲۵۶۴ نفر

شاغلان بخش کشاورزی

